

# اصول الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه اسلامی

اصغر افتخاری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

## چکیده

از جمله پدیده‌های ناشی از پیچیده شدن جوامع معاصر، شکل‌گیری فرآیندهای درونی است که می‌تواند انسجام و هویت جمعی را هدف قرار داده و به مخاطره اندازد. این فرآیندها مبتنی بر کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی شکل گرفته و از آنها به «آسیب» تعبیر می‌شود. بر این اساس مسئله‌ای مهم در حوزه تحلیل و تقویت الگوهای حفاظتی-امنیتی مطرح شده که ناظر بر اهمیت رویکردهای اجتماعی در نیل به اهداف حفاظتی-امنیتی می‌باشد. با توجه به رویکرد اجتماعی مطرح شده، هدف اصلی تحقیق حاضر آن است که اولویت «مدیریت آسیب‌ها» نسبت به «مدیریت تهدیدات» را در طراحی الگوی حفاظت و امنیت تبیین و تشریح نماید. محقق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک اسنادی به گردآوری و تحلیل داده‌ها اقدام نموده است. یافته‌های محقق حکایت از آن دارد که اصول الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه اسلامی را می‌توان در پنج مورد زیر خلاصه نمود:

- «تهذیب فردی» با هدف تربیت افرادی با فرهنگ «خودکنترلی»
  - تقویت «مشارکت‌های اجتماعی» با هدف تأسیس «جامعه‌ای منسجم»
  - تقویت «پشتیبان اجتماعی» قدرت سیاسی با هدف تأسیس «دولتی مقتدر»
  - «غیرامنیتی نمودن» فرآیند مدیریت «آسیب‌های اجتماعی» با هدف افزایش تأثیر و کارآمدی
  - تقویت «شبکه مناسبات هنجاری و ارزشی» با هدف صیانت از «سلامت اجتماعی».
- در این پژوهش حوزه حفاظت محوریت دارد. نتایج این تحقیق افزون بر محققان این حوزه می‌تواند برای کارشناسان اجرایی در تحلیل مقولات حفاظتی-امنیتی و ارائه راهکار مفید باشد.

**کلید واژگان:** تهدید، آسیب، الگوی مدیریت، حفاظت، امنیت، آسیب اجتماعی، جامعه اسلامی.

## مقدمه

با تأمل در سیر تحول جوامع انسانی مشخص می‌شود که مؤلفه‌های داخلی به مراتب از عوامل خارجی در حوزه حفاظت و امنیت تأثیرگذار هستند. بر این اساس شناخت و مدیریت «آسیب‌های داخلی» برای نیل به الگویی کارآمد در حوزه امنیت و حفاظت، امری ضروری به‌شمار می‌آید. به همین خاطر است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در ارتباط با «مدیریت آسیب‌های اجتماعی» تأکید و تصریح دارند: «ما مردم را باید عائله خودمان بدانیم... به مسئله آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور جوری نگاه کنیم که اگر این آسیب در داخل خانواده خود ما بود، آن جور نگاه می‌کردیم... [باید] یک تلاش مضاعف انجام بگیرد... همه دستگاه‌های دولتی... باید نقش‌آفرینی کنند... نیروهای مردمی [هم] خیلی می‌توانند کمک کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۵/۲/۱۱).

پیشینه تحقیق در موضوع حاضر را می‌توان به سه حوزه اصلی تقسیم نمود:

نخست. مطالعات اجتماعی که هدف اصلی آنها تبیین پیامدهای امنیتی آسیب‌های اجتماعی و یا تحلیل ابعاد اجتماعی امنیت است.<sup>۱</sup>

دوم. مطالعات امنیتی - حفاظتی که در آنها شیوه‌های مختلف (سلبی و ایجابی) برای صیانت از دستاوردهای امنیتی و موضوعات مهم حفاظتی به بحث گذارده شده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> برای مثال در حوزه آسیب‌های اجتماعی می‌توان به آثار زیر اشاره نمود: مجموعه مقالات همایش بررسی آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران (جمعی از نویسندگان ۱۳۹۳-الف)، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی اجتماعی در فضای مجازی (جمعی از نویسندگان ۱۳۹۱-الف)، در بحث امنیت اجتماعی برخی آثار به تحلیل و شناخت انواع تلقی‌ها از این مفهوم اختصاص دارد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۸۴-۱۰۲)، و برخی به صرف تبیین دیدگاه‌های غربی پرداخته‌اند. مانند بخش‌هایی از «دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی» (شایان‌مهر، ۱۳۷۷)، «فرهنگ علوم اجتماعی» (گولد، ۱۳۷۶)، «آسیب‌شناسی اجتماعی» (ستوده، ۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی» (سخاوت، ۱۳۷۶)، «امنیت اجتماعی» (نوبدینیا، ۱۳۸۸) و «مسائل اجتماعی» (مکیونیس، ۱۳۹۵).

<sup>۲</sup> برای مثال افتخاری با رویکردی اسلامی به موضوع نگریسته و نظریه امنیت اجتماعی شده را ارایه نموده که تصویری ایجابی از امنیت را در گفتمان اسلامی به نمایش می‌گذارد (افتخاری، ۱۳۹۲). در بحث از مطالعات حفاظتی نیز می‌توان به «مدیریت حفاظت و امنیت اطلاعات» (کراوس و تیتن، ۱۳۸۸)، «دانش‌های حفاظتی» (ودجا، ۱۳۸۶)، «راهنمای حفاظت شخصی مدیران» (ودجا، ۱۳۸۶) و «مبانی حفاظت در سازمان‌ها» (معاونت پژوهش دانشکده اطلاعات، ۱۳۹۳) اشاره داشت.

سوم. مطالعات اسلامی که عمدتاً به بررسی نقش و جایگاه آموزه‌های دینی در مقابله با آسیب‌ها و پیشگیری از وقوع آنها اختصاص دارد.<sup>۱</sup>

ارزیابی انتقادی این آثار حکایت از آن دارد که در این متون تحلیل اصول رویکرد اجتماعی در حوزه مدیریت مسائل حفاظتی و امنیتی مد نظر نبوده است. بر این اساس، تلاش محقق برای تبیین این اصول، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، نکته تمایز این نوشتار در مقایسه با سایر متون می‌باشد.

اهمیت موضوع از آنجا ناشی می‌شود که بواسطه تحقیقاتی از این قبیل، زمینه آن فراهم می‌شود تا الگوهای حفاظتی - امنیتی مبتنی بر قدرت اجتماعی ارتقا یابند. بدین ترتیب شاهد کاهش میزان تصدی‌گری قدرت سیاسی در حوزه امنیت سازی خواهیم بود که به معنای کاهش هزینه‌ها و «پایدارسازی» حفاظت و امنیت است. متقابلاً کم‌توجهی و یا بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند به غلبه رویکرد مدیریت تهدیدمحور منتهی گردد؛ الگویی که تحلیل وضعیت جوامع نوین حکایت از ضعف آن در مقام امنیت‌سازی و فروپاشی ساختارهای امنیتی صرفاً تهدیدمحور در جریان تحولات فزاینده اجتماعی - فناورانه دارد. این تحلیل بیانگر ضرورت کاربردی توجه به موضوع الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت می‌باشد.

### سؤال اصلی تحقیق

بر این اساس سؤال اصلی نوشتار حاضر آن است که: اصول الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه اسلامی کدامند؟

### روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع «بنیادی - کاربردی» بوده و محقق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده است. هم‌چنین این تحقیق فرضیه‌آزما نیست. بنابراین محقق نخست به بررسی انتقادی نظریه‌های

<sup>۱</sup> برای مثال برخی نویسندگان به جایگاه اخلاق و الگوهای اخلاقی در تأسیس و تقویت امنیت اجتماعی عطف توجه نموده‌اند (فره‌مند و دیگران، ۱۳۹۴). بعضی به شناسایی آسیب‌های اجتماعی در نصوص معتبر همچون نهج‌البلاغه همت گمارده‌اند و از این طریق بر ضرورت شناسایی تهدیدات تأکید نموده‌اند (حلیمی جلودار، ۱۳۹۲)، و بعضی از ظرفیت‌های مدیریتی شعائر و مناسک دینی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منظور تقویت امنیت جامعه، بحث کرده‌اند (داوری و سلیمی، ۱۳۹۵).

موجود پرداخته و از این رهگذر، کاستی‌های دیدگاه‌های موجود را شناسایی و در ادامه با رجوع به متون دینی سعی در ارائه پاسخ‌هایی نموده که در نهایت در قالب اصول الگوی اجتماعی سازماندهی و ارائه شده است.

## ۱. مبانی مفهومی و نظری

نوشتار حاضر از حیث مفهومی و نظری بر محورهای زیر استوار است:

### ۱-۱. مفاهیم

#### الف) امنیت

امنیت در رویکرد سلبی عبارت است از: وضعیتی که در آن یا تهدیدی برای منافع بازیگر وجود ندارد و یا در صورت وجود تهدید احتمالی امکان مدیریت مؤثر آن برای بازیگر هدف وجود دارد. از حیث ایجابی نیز امنیت عبارت است از وضعیتی که در آن بین خواسته‌ها از یک سو و داشته‌ها (کارآمدی نظام حاکم) از سوی دیگر، نوعی تعادل وجود دارد که در چارچوب ضریب ایدئولوژیک آن جامعه، تولید رضایتمندی درون جامعه می‌نماید (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۰-۸۹).

#### ب) حفاظت

حفاظت به مجموعه‌ای از اقدامات دلالت دارد که هدف از آن صیانت از داده‌ها، سازه‌ها، نهادها، در برابر سیاست‌ها و پدیده‌های طبیعی و غیر آن است. بر این اساس با طیف متنوعی از دانش‌ها روبه‌رو هستیم که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم با حفاظت ارتباط دارند (ودجا، ۱۳۸۶: ۸-۱۴).

#### ج) آسیب

آسیب از حیث لغوی به معنای نقص، کاستی، آفت و یا ضعف به کار رفته (دهخدا، ۱۳۸۰: ۱۴۴) که ویژگی بارزش «درونی بودن» آن است. از نظر اصطلاحی، آسیب دلالت بر وضعیتی دارد که پدیده را از ناحیه مؤلفه‌های ساخت درونی‌اش دچار ضعف و کاستی می‌سازد.

**(د) تهدید**

تهدید دلالت بر مخاطره پدید آمده از سوی دیگر بازیگران نسبت به منافع بازیگر هدف دارد که می‌تواند به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه، عمدی و غیر عمدی، مستقیم و یا غیر مستقیم باشد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۷). به این ترتیب تهدید از آسیب بواسطه حوزه تکوین و دلیل پیدایش آن متمایز است.

**(ه) آسیب اجتماعی**

در ارتباط با معنای آسیب اجتماعی، سه رویکرد را نزد جامعه‌شناسان می‌توان سراغ گرفت: نخست. کسانی که معتقدند «آسیب اجتماعی» واژه‌ای برساخته و متناسب با گفتمان پزشکی و زیست‌شناسی است و لذا باید واژه بومی آن را در حوزه جامعه‌شناسی یعنی «مسئله اجتماعی»<sup>۱</sup> را به کار برد. بر این اساس هر پدیده‌ای که وضعیت اجتماعی را با چالش روبه‌رو سازد و در نظم متعارف ایجاد اختلال کند، مسئله اجتماعی ارزیابی می‌گردد (tasnimnews.com/fa/news/1392).

دوم. افرادی که معتقدند جامعه به مثابه یک سیستم زنده عمل می‌نماید و لذا در مواقعی که این سیستم دچار ضعف و یا نقص درونی شود، می‌گوییم «آسیب دیده» است. آسیب‌های اجتماعی از این منظر ریشه در ضعف هویت، انسجام و وحدت اجتماعی دارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱). سوم. عمده نویسندگان تلقی عمومی از «آسیب» را مد نظر داشته و هرگونه ضعف یا آفت رخ داده در شبکه روابط اجتماعی را به‌عنوان آسیب اجتماعی تعریف می‌نمایند<sup>۲</sup> (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۲۱-۱۱). در این رویکرد، «مسئله اجتماعی» معنایی عام داشته و شامل آسیب‌شناسی اجتماعی، بدکارکردی اجتماعی، کژرفتاری اجتماعی و انحراف ساختاری در حوزه اجتماعی می‌شود (رایبگتن و وینبرگ، ۲۰۱۰: فصل ۱).

**(و) الگو**

تعریف موسع الگو، طرحی شماتیک از موضوع را شامل می‌شود که در آن عناصر پدیده و نحوه ارتباط آنها مشخص شده‌اند. حال آن‌که در تلقی‌های مضیق، افزون بر عناصر و شبکه ارتباطی، لازم

<sup>۱</sup> Social Problem

<sup>۲</sup> Social Harm- Social Damage

است ابعاد، مؤلفه‌ها و شدت میزان تأثیرگذاری آنها نیز لحاظ گردد (کراسلی و دیگران، ۱۹۷۲: ۲۰-۳۱). در تحقیق حاضر تعریف موسع از الگو مد نظر است.<sup>۱</sup>

## ۱-۲. نظریه‌ها

با توجه به گستره و عمق مباحث مربوط به الگوهای اجتماعی تولید امنیت و حفاظت، شاهد ارائه طیف متنوعی از نظریه‌ها می‌باشیم که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: (ستوده، ۱۳۸۴؛ رفیع‌پور، ۱۳۹۲؛ عبداللهی، ۱۳۸۱؛ لمرت، ۲۰۱۲)

### الف) نظریه‌های روان‌شناختی؛ با محوریت «تربیت فردی»

بنیاد نظریه‌های روان‌شناختی را یک اصل ساده و راهبردی شکل می‌دهد و آن هم این‌که: سلامت جامعه، برابر با حاصل جمع سلامت افراد آن است. به همین خاطر تولید امنیت و تقویت شبکه‌های حفاظتی در گرو اعتبار و سلامت الگوی تربیت فردی است. از این منظر تربیت فردی به‌صورت «خودکنترلی» تجلی نموده و نقش اساسی را در پیشگیری از بروز آسیب و تهدید ایفا می‌نماید (روحانی قوچانی، ۱۳۹۲؛ فقیه‌آرام، ۱۳۹۵؛ حسینی، ۱۳۹۵).

### ب) نظریه‌های اجتماعی؛ با محوریت «شبکه روابط»

در این دسته از نظریه‌ها، شرایط و ساختار اجتماعی به‌عنوان عامل اصلی در شکل‌گیری و فعال‌سازی آسیب‌ها مطرح است (رفیع‌پور، ۱۳۸۸). چنان‌که برخی از نویسندگان بر نقش رسانه‌ها (علی‌بی، ۱۳۹۵)، ساخت اجتماعی شهرها (محسنی و نصرتی، ۱۳۹۳)، ضعف پیوندهای خویشاوندی (نایی و لطفی، ۱۳۹۳)، و یا اجتماع زیاد افراد در کلان‌شهرها (هاشم‌زهی، ۱۳۹۰) در تکوین و ظهور آسیب‌های اجتماعی و در نتیجه بروز ضعف در حوزه امنیت سازی اشاره داشته‌اند. از تحلیل این نظریه‌ها می‌توان چنین استنباط نمود که: امنیت و حفاظت تولیداتی اجتماعی هستند. به این معنا که در صورت بروز آسیب در شبکه روابط اجتماعی شاهد

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در خصوص تعریف، ویژگی‌ها و انواع الگوها در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، نگاه کنید به: (شایان‌مهر ۱۳۷۷: ۸۰-۷۸)، (گولد ۱۳۷۶: ۹۲-۹۰).

بروز رفتارها و اقداماتی خواهیم بود که می‌تواند به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه امنیت و حفاظت را به مخاطره اندازد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳).

### ج) نظریه‌های هنجاری؛ با محوریت «نظام ارزشی»

از این منظر وضعیت امنیت و حفاظت در هر جامعه‌ای در گرو وجود نظام هنجاری است که بتواند به شکل‌گیری هویتی منسجم، فعال و پویا کمک نماید. به همین خاطر است که بررسی نقش ادیان مختلف در تکوین هویت‌های جمعی اهمیت یافته و جامعه‌شناسی دین به عنوان رشته‌ای کاربردی برای کارشناسان مطالعات امنیتی مهم می‌شود. بر این اساس با توجه به نوع و ماهیت نظام‌های هنجاری می‌توان به ارزیابی مقولاتی چون «سلامت اجتماعی»، «انسجام اجتماعی»، «مشارکت جمعی» و... همت گمارد و از این طریق از تکوین آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن بروز ضعف در حوزه امنیت و حفاظت پیشگیری نمود (حلیمی جلودار، ۱۳۹۲).

### د) نظریه‌های واقع‌گرایانه؛ با محوریت «دولت»

از منظر واقع‌گرایان، عامل اصلی در معادلات امنیت، «قدرت» است. بر این اساس بازیگر محوری نیز «دولت» - و نه «جامعه» - خواهد بود. از این منظر دولت‌ها موظف هستند تا با بسیج منابع در اختیار و ایجاد موانع و محدودیت‌های لازم و یا تمهید زمینه‌های ضروری آموزشی و حقوقی؛ زمینه مناسب و ضروری برای ایجاد امنیت را در جامعه فراهم سازند (بیات، ۱۳۸۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳). این نظریه در ایران مورد توجه قرار گرفته است و شاهد کاربست پروژه‌های امنیت سازی در فضای غیراجتماعی با محوریت قدرت سیاسی در مقاطع مختلف تاریخی هستیم (عبداللهی، ۱۳۸۱؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳). این درحالی است که اندیشه‌گران امنیتی بر این باور هستند که «دولتی نمودن» امنیت و بی‌توجهی به جایگاه و نقش مؤثر قدرت اجتماعی؛ می‌تواند زمینه مساعدی را برای تکوین آسیب‌های جدید و توسعه آنها در آینده فراهم سازد. به عبارت دیگر «قدرت سیاسی» بدون کمک مؤثر و معنادار قدرت اجتماعی نمی‌تواند در نیل به اهداف حفاظتی - امنیتی خود موفق باشد (کاکرهم، ۲۰۱۳). بررسی تجارب جوامع معاصر که با عنایت به شرایط اساسی فناوری‌های نوین صورت گرفته، مؤید این معنا است که قدرت سیاسی به‌خاطر مجهز شدن بازیگران و نهادهای اجتماعی به توان‌مندی‌های نوین فناورانه، به‌تنهایی

نمی‌تواند از عهده مدیریت پدیده‌های حفاظتی - امنیتی برآید و نیازمند حضور معنادار قدرت اجتماعی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱؛ کیهان، ۲۰۱۳؛ استیورز، ۲۰۰۴).

## تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

### ۱-۳. الگوی تحلیل

با توجه به این که هر یک از نظریه‌های بیان شده، بُعدی از واقعیت را بیان می‌کنند، محقق با استفاده از رویکرد ترکیبی و با توجه به اصول و مبانی ارایه شده از سوی گفتمان اسلامی، الگویی پنج بُعدی را طراحی و پیشنهاد می‌نماید که نسبت به دیدگاه‌های پیشین، از جامعیت برخوردار است. مطابق این الگو، تولید اجتماعی امنیت و حفاظت بر پنج اصل به شرح زیر استوار است:

#### اصل اول) تیپ شخصیتی

این اصل بر بنیاد نظریه‌های روان‌شناسانه قرارداد و بیان‌گر این مدعا است که بروز هرگونه تغییر و تحولی در علایق و سلیقه‌های فردی می‌تواند، زمینه تکوین و ظهور آسیب‌های اجتماعی را فراهم سازد. با این توصیف باید بین دو تیپ شخصیتی به شرح زیر تمیز قائل شد:

الف) تیپ شخصیتی منزوی

ب) تیپ شخصیتی تعاملی

تیپ نخست نسبت به محیط پیرامونش تعهد و توجه لازم را ندارد. به همین خاطر می‌باشد که بروز واکنش‌های ضد اجتماعی از سوی این افراد بسیار محتمل است. در این وضعیت معمولاً الگوهای اجتماعی تولید امنیت فعال نبوده و مشارکت عمومی در تأمین حفاظت اندک خواهد بود. اما تیپ شخصیتی تعاملی، دلالت بر وجود افرادی دارد که از حساسیت و توان لازم برای شناخت خود و پیرامونشان و ایجاد رابطه‌ای معقول و سازنده، برخوردارند. در این وضعیت می‌توان بر مشارکت افراد برای ارتقای ضریب امنیتی جامعه و اجرای طرح‌های حفاظتی گسترده امیدوار بود.



### اصل دوم) مسئولیت اجتماعی

مطابق این اصل، «شخصیت‌های فردی» با قرار گرفتن در «زمینه اجتماعی» بازتعریف شده و در قالب «هویت‌های اجتماعی» پدیدار می‌شوند. به همین خاطر است که فرآیند جامعه‌پذیری حائز اهمیت بوده و الگوی تعاملی «شخصیت فردی - هویت جمعی» را شکل می‌دهند. با این تفسیر اگر جامعه‌ای نتواند برای شخصیت‌های فردی، هویت جمعی مناسبی تعریف و تأسیس نماید؛ دچار بحران هویتی شده و شاهد بروز ناهنجاری‌های اجتماعی خواهیم بود؛ پدیده‌ای که امنیت جامعه را آسیب زده و متزلزل می‌سازد. از این منظر می‌توان بین دو گونه از جوامع تفکیک قائل شد:

**الف) جوامع قوی که از ساخت اجتماعی محکمی برخوردار بوده و تجلی آن را می‌توان در همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی مشاهده نمود.**

**ب) جوامع ضعیف که در تعریف هویت جمعی دچار مشکل بوده و افراد به شکل توده‌ای و همچون دانه‌های شن کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و لذا از ضریب تعلق خاطر پایینی نسبت به همدیگر برخوردارند.**

با این توصیف امنیت و حفاظت در جوامع نوع اول به شدت اجتماعی خواهد بود. به این صورت که افراد برای خود رسالت امنیتی و حفاظتی قائل بوده و سازمان سیاسی را در تحقق اهداف این حوزه بر اساس وظایف شهروندی‌شان یاری می‌رسانند. اما در جوامع گونه دوم افراد قائل به وجود مسئولیتی برای خود نبوده و بر این اعتقادند که حفاظت و امنیت - تماماً - جزو تکالیف نظام سیاسی است. این تلقی - به نوبه خود - منجر به افزایش هزینه‌های دولت و کاهش کارآمدی نظام می‌شود.

### اصل سوم) دولت کوچک و چابک

محور معادلات و مناسبات سیاسی را «قدرت» شکل می‌دهد. بر این اساس می‌توان دو گونه از جوامع سیاسی را از یکدیگر تمییز داد:

الف) جوامع سیاسی قدرتمند

ب) جوامع سیاسی مقتدر

درحالی که مدیران در جوامع گروه نخست سعی دارند از طریق اعمال سلطه بر ابزارهای سخت قدرت، اقدام نمایند؛ گروه دوم از ضرورت توجه به قدرت اجتماعی و وجود پشتیبان اجتماعی برای قدرت سیاسی سخن می‌گویند. به همین خاطر است که جوامع سیاسی قدرتمند به دلیل ضعف در قدرت اجتماعی‌شان، آسیب‌پذیر بوده و در استقرار حفاظت و امنیت تنها ظاهر می‌شوند. حال آن‌که جوامع سیاسی مقتدر، با استفاده از پشتیبان اجتماعی‌شان، می‌توانند با هزینه کمتر و تأثیرگذاری بیشتر در مقام اجرای طرح‌های حفاظتی و سیاست‌های امنیتی اقدام نمایند.

#### اصل چهارم) سیاست غیر امنیتی کردن

سیاست «غیرامنیتی کردن»<sup>۱</sup> بر اصل تفکیک آسیب از تهدید امنیتی استوار بوده و معتقد است، پدیده‌ها باید در حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و یا ارزشی-هنجاری مدیریت گردند (Balzacg:2011). به همین علت شاهد حضور فعال و مؤثر نهادهای اجتماعی در تحصیل و تقویت حفاظت و امنیت در جامعه خواهیم بود.

#### اصل پنجم) نظام اعتقادی (ارزشی) فعال

ساختار و محتوای نظام ارزشی در هر جامعه‌ای از آن حیث که شکل دهنده به بینش‌ها و نگرش‌هاست، بسیار مهم بوده و می‌تواند در امنیت سازی نقش آفرین ظاهر گردد. از این منظر می‌توان بین دو مکتب اصلی تفکیک قائل شد.

**الف) مکتب سکولار، بر این باور است که گزاره‌ها و اصول ارزشی-هنجاری دارای نقش محدود در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی هستند.**

**ب) مکتب شریعتمدار، که معتقد است پدیده‌های سیاسی-اجتماعی تحت تأثیر مؤلفه‌های ارزشی-هنجاری هستند.**

بر این اساس ساخت و محتوای نظام اعتقادی در هر جامعه‌ای، تأثیر مستقیم بر نوع و میزان نقش آفرینی افراد و گروه‌های اجتماعی در تأسیس و صیانت از حفاظت و امنیت دارد.

<sup>1</sup> desecuritization

## ۲. اصول راهبردی اسلام برای تقویت الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت

با عنایت به الگوی ارائه شده و مستند به گفتمان اسلامی، می‌توان اصول راهبردی اسلام را در تأیید الگوی اجتماعی تولید امنیت و حفاظت به شرح زیر معرفی نمود:

### اصل (۱). اولویت‌بخشی به «تربیت فردی» و محوریت اصل «خودکنترلی»

آنچه با عنوان کلان «خودکنترلی» از آن تعبیر شده، ویژگی‌ای مبتنی بر دو عنصر «آگاهی» و «اراده» است که در قالب فرهنگ تربیتی اسلام به آن توجه شده است. بر این اساس «افراد» از ضرورت کنترل «نفس» به نفع منافع اصیل خود و دیگران در جامعه، آگاه شده و در اجرای امر الهی و برای صیانت از منافع واقعی خود و دیگران؛ نسبت به اصلاح رفتار خود اقدام می‌نمایند. «خودکنترلی» مانع از آن می‌شود که بسیاری از ناامنی‌ها به‌وجود آمده و در جامعه مطرح گردند. به همین دلیل است که سیاستی ریشه‌ای در تقویت حفاظت و امنیت و با ارزش تأثیرگذاری بالا، ارزیابی می‌گردد. مبنای «خودکنترلی» در الگوی تربیت اسلامی را سه رکن اساسی شکل می‌دهند که عبارت‌اند از:

#### الف) تهذیب نفس

در قرآن کریم بالغ بر ۲۹۶ مرتبه از «نفس» سخن به میان آمده که پیوسته نیز «مذموم» نبوده است. نفس در کلام خداوند متعال بیانگر هیئتی است که آمیزه‌ای از شأن حیوانی و روح الهی می‌باشد. آنچه در این خصوص مشکل‌ساز می‌نماید، غلبه ساحت حیوانی بر بُعد الوهی است که می‌تواند آدمی را به ورطه ضلالت کشیده و به آنجا برساند که از حیوانات هم پست‌تر شده و دست به هر اقدام و جنایتی بزند:

«... آنان چونان چهارپایان - بلکه گمراه‌ترند. آنان، همان غافلان هستند».<sup>۱</sup>

بنابراین تهذیب نفس از آن حیث که به مهار خلق و خوی حیوانی در انسان کمک می‌کند؛ مانع اساسی در برابر تکوین و ظهور ناامنی‌های ناشی از درج اطلاعات راهبردی بواسطه ترس و یا منافع

<sup>۱</sup> قال الله تعالی: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه اعراف (۷) - آیه شریفه ۱۷۹).

فردی، بوده و به‌سان موتور محرکه‌ای درون انسان عمل می‌نماید که نتیجه آن اصلاح رفتار فردی و عدم تولید ناامنی در جامعه است. به همین خاطر از این راهکار، می‌توان به راهکاری ایجابی در تولید اجتماعی حفاظت و امنیت تعبیر نمود.

### ب) تقویت عقل

«عقل» در گفتمان اسلامی موهبتی الهی به‌شمار می‌آید که از جانب خداوند به‌سان رسول باطنی در انسان به ودیعه گذاشته شده و به همین خاطر است که خداوند متعال در قرآن کریم در بیش از ۴۸ مورد انسان را به تعقل فراخوانده است (شمس ناتری و بخشنده، ۱۳۹۳: ۳۲-۱۴). این موضوع بیانگر آن است که عقل انسان در صورت رهایی از موانع معرفتی و التزام به اصول و مبانی منطقی؛ می‌تواند راهنمای انسان به «عمل درست» باشد.

با این توضیح مشخص می‌شود که تقویت جایگاه عقل و التزام افراد به اجرای یافته‌های عقلانی، مانع از آن خواهد شد که برای خود و دیگران در جامعه تولید ناامنی نمایند. این امر بدان معناست که عقلانیت می‌تواند تأثیر مثبت و مستقیمی بر کاهش ناامنی‌ها داشته و مانع از بروز رفتارهایی می‌شود که می‌توانند سیاست‌های حفاظتی در جامعه را مخدوش نمایند. دلیل این امر نیز به پرورش و تقویت عقلانیت عمومی در جامعه بازمی‌گردد. بر این پایه این راهکار را می‌توان همچون مورد قبلی، در زمره راهکارهای ایجابی تولید اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه قرارداد؛ چرا که از طریق اصلاح فرآیندهای محاسباتی (تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری) به کاهش ناامنی‌ها کمک می‌کند.

### ج) سلامت قلب

مطابق گفتمان اسلامی، انسان برای دریافت حقایق و درک منافع حقیقی خود صرفاً مجهز به توان‌مندی عقلی و یا هدایت‌گری رسولان نیست؛ بلکه توان سومی هم برای او تعریف شده که به ارتباط با خداوند متعال، ناظر است. در این رویکرد، رابطه «انسان-خدا» رابطه‌ای محدود و صرفاً تاریخی نبوده، بلکه رابطه‌ای «پیوسته و مستمر» است که در طول تاریخ جریان دارد (ایزوتسو، ۱۳۶۱:

۲۵-۳۵). آنچه با عنوان وحی به معنای عام آن در قرآن کریم برای غیر از پیامبران آمده و از آن به «الهام» تعبیر شده؛ بیانگر آن است که انسان می‌تواند از طریق «ارتباط قلبی» به درک معارف واقعی از ناحیه حضرت حق، نائل آید.<sup>۱</sup> بدین ترتیب تلاش برای صیانت و ارتقای سلامت قلب، به‌عنوان یک راهکار ایجابی و ریشه‌ای مطرح است که آدمی را از انحراف و کژروی بازداشته و بدین ترتیب از تکوین و ظهور ناامنی و یا انجام اقداماتی که به‌صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه به تضعیف الگوهای حفاظتی جامعه منجر می‌شوند؛ بازخواهد داشت. این معنا در قرآن کریم در ذیل عنوان «قلب سلیم» مورد توجه قرار گرفته که در مقابل «قلب غلیظ» (قلب سخت) می‌باشد. با این تفسیر، از رهگذر رواج الگوی تربیت اسلامی و تضمین سلامت قلب، می‌توان امیدوار بود که ایشان از توجهات الهی بهره‌مند شده و از ورود به مسیرهایی که موجب بروز ناامنی و یا آسیب حفاظتی می‌شود، منع گردند. برای مثال می‌توان به آیات شریفه زیر اشاره داشت:

- سلامت قلب به تقویت شبکه روابط اجتماعی - که شرط ضروری برای جلوگیری از بروز آسیب امنیتی است - کمک می‌کند: «پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرمخو شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی؛ قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند...»<sup>۲</sup>

- سلامت قلب به اصلاح الگوی مجادلات در جامعه کمک نموده و راه را بر ظهور دشمنی‌ها سد می‌کند: «کسانی که درباره آیات الهی - بدون حجتی که برای آنان آمده باشد - مجادله می‌کنند؛ [این ستیزه] نزد خدا و کسانی که ایمان آورده‌اند، [مایه] عداوت بزرگی است. این‌گونه، خدا بر دل هر متکبر زورگویی مهر می‌نهد»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> برای مثال. قال الله تعالى: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مَرْيَمَ أَنْ أَرْضِعِي فَإِذَا حَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه قصص (۲۸)، آیه شریفه ۷).

<sup>۲</sup> قال الله تعالى: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران (۳)، آیه شریفه ۱۵۹).

<sup>۳</sup> قال الله تعالى: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُنْكَبِرٍ جَبَّارٍ» (قرآن کریم، سوره مبارکه غافر (۴۰)، آیه شریفه ۳۵).

- سلامت قلب، توانایی افراد در شناخت حقایق را افزایش داده و از این طریق به کاهش ناامنی‌های احتمالی کمک می‌کند: «...و ما بر دل‌هایشان پرده افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی قرار داده‌ایم...»<sup>۱</sup>

در مجموع می‌توان چنین استنباط نمود که از طریق حاکمیت الگوی تربیت اسلامی در جامعه می‌توان به اصلاح بینش و رفتار افراد نائل آمد و نوعی از «خودکنترلی» در آحاد جامعه به‌وجود آورد که ایشان را از ارتکاب آگاهانه و یا ناآگاهانه افعالی که می‌تواند به امنیت و حفاظت لطمه بزند؛ باز می‌دارد.

## اصل (۲). اولویت‌بخشی به «مسئولیت جمعی» و محوریت «جماعت»

مطابق گفتمان اسلامی، اگرچه تربیت فردی یک ضرورت اساسی در پیشگیری از بروز ناامنی‌ها به‌شمار می‌آید، اما برای حفاظت و امنیت جامعه نمی‌توان به صرف تربیت فردی بسنده نمود. تعریف، طراحی و اجرای یک شبکه روابط اجتماعی مبتنی بر مسئولیت جمعی، سازوکاری است که اسلام برای تضمین سلامت جامعه در سطح اجتماعی بر آن تأکید داشته است. در این قالب، تمامی افراد و گروه‌های اجتماعی در قبال یکدیگر احساس مسئولیت نموده و برای پیشگیری از بروز ناامنی و یا مدیریت مؤثر ناامنی‌های رخ داده، با هم همکاری می‌نمایند (یاسی: ۱۳۹۵)، (عیسایی: ۱۳۹۶). به‌عبارت‌دیگر، مدیریت حفاظت و امنیت یک موضوع در دستور کار «جامعه» - تا فرد یا گروهی خاص - است. دلالت‌های این گزاره در حد بحث حاضر عبارت‌اند از:

**الف)** پیشگیری از بروز ناامنی، منوط به اولویت‌بخشی منافع جمعی بر منافع بخشی است. خداوند متعال در بحث از قصاص بر این معنا تأکید دارد؛ آنجا که می‌فرماید:

«ای صاحبان اندیشه و فکر، [آگاه باشید] که در قصاص برای شما مایه حیات قرار داده شده است. باشد که تقوا پیشه نمایید.»<sup>۲</sup>

در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که اگرچه قصاص دلالت بر مرگ ظاهری فردی خاص دارد که او و خانواده‌اش را خوش نمی‌آید، اما برای حیات جمعی تأثیر مثبت دارد و مانع از بروز

<sup>۱</sup> قال الله تعالى: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا.» (قرآن کریم، سوره مبارکه کهف (۱۸)، آیه شریفه ۵۷).

<sup>۲</sup> قال الله تعالى: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه بقره (۲)، آیه شریفه ۱۷۹).

آفاتی مشابه در آینده می‌گردد. به عبارت دیگر، کارکرد بازدارندگی آن موجب صیانت از سلامت اجتماعی در آینده می‌گردد (خسروشاهی، ۱۳۸۰: ۱۹۴-۲۱۰).

**ب) عادی شدن «ناپهنجاری اجتماعی»** امر مدیریت ناامنی‌ها در جامعه را دچار اخلال می‌سازد. با توجه به داستان حضرت لوط مشخص می‌شود که قوم لوط دچار نوعی وارونگی هنجاری شده بودند. بدین صورت که ارتکاب به اعمال زشت به مثابه الگوی رفتاری مسلط درآمده بود و بالعکس حفظ طهارت و پاکی به عنوان یک رفتار مذموم و غیرقابل تحمل، تفسیر می‌شده است. به همین خاطر است که تمام نصایح و اقدامات حضرت لوط، تأثیرگذار نبوده و در نهایت عذاب الهی فرارسیده و تمام ایشان را نابود می‌سازد.<sup>۱</sup> بر این اساس می‌توان استنباط نمود که عرفی شدن ناپهنجاری‌های اجتماعی و اقبال عمومی جامعه به آنها، کارآمدی الگوهای اجتماعی مدیریت حفاظت و امنیت را کاهش می‌دهد.

**ج) احیای فطرت الهی، سازوکاری مثبت برای فعال‌سازی جامعه در امر مدیریت حفاظت و امنیت است.** از آنجا که صیانت و حمایت از «سلامت»، «نظم» و «امنیت» در جامعه بر مقتضای فطرت انسانی ارزیابی می‌گردد؛ توصیه راهبردی قرآن کریم بر احیای فطرت و بازگشت انسان‌ها به آن است. در این صورت خواهد بود که شاهد اقبال عمومی به مشارکت در سیاست‌های صیانت از امنیت می‌باشیم. تأکید خداوند متعال بر اهمیت و ارزش فطرت از این ناحیه قابل تفسیر است: «پس روی خود را متوجه دین حنیف کن. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، اما اکثر مردم نمی‌دانند.»<sup>۲</sup>

**د) حاکمیت و رواج الگوی امر به معروف و نهی از منکر، لازمه ضروری مدیریت اجتماعی حفاظت و امنیت است.** امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب و مدارج مختلفی است، آن قسمت از این فرضیه که ناظر بر مسئولیت عمومی است به مثابه سیاست راهبردی مطرح است که اسلام برای مشارکت قدرت اجتماعی در حوزه بهبود شرایط امنیتی و حفاظتی بر آن تأکید دارد.

<sup>۱</sup> قال الله تعالى: «وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (قرآن کریم، سوره مبارکه هود (۱۱)، آیه شریفه ۷۸).

<sup>۲</sup> قال الله تعالى: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه روم (۳۰)، آیه شریفه ۳۰).

اهمیت این بخش از امر به معرف و نهی از منکر تا بدانجا است که بدون وجود آن، امکان مدیریت مؤثر و پایدار «امنیت» اصولاً وجود ندارد.

«مردان و زنان مؤمن، بعضی‌هایشان اولیای بعضی دیگر هستند. بدین معنا که امر به معروف نموده و از منکر یکدیگر را باز می‌دارند و اقامه نماز می‌نمایند و زکات می‌دهند و از خداوند و رسولش اطاعت می‌کنند...»<sup>۱</sup>

مبنای این تفکر را یک اصل راهبردی تشکیل می‌دهد و آن هم این‌که، در جامعه اسلامی همگان برادر هم هستند و لذا نمی‌توانند نسبت به سرنوشت همدیگر بی‌تفاوت باشند.<sup>۲</sup>

۵) وجود شفافیت و نظارت در جامعه، تأثیر مستقیم به کاهش ناامنی‌ها و تهدیدات حفاظتی دارد. با توجه به پیچیدگی جوامع انسانی، معمولاً شاهد شکل‌گیری حواشی امنی هستیم که برای تکوین و ظهور مفساد و تهدیدات محیطی مناسب به‌نظر می‌رسند. در گفتمان اسلامی، اصل شفافیت و اعمال نظارت مورد تأکید بسیار بوده تا از این طریق امکان و فرصت ارتکاب به جرایم و مفساد- و حتی اشتباه و خطا- به حداقل ممکن برسد. این تعبیر که همگان در این دنیا در محضر الهی هستند، دلالت بر نوعی از نظارت عالیه دارد که مؤمنان را در حال و شرایطی از اعمال ناامنی‌ساز و ناشایست باز می‌دارد.

### اصل (۳). اولویت‌بخشی به «مسئولیت‌پذیری دولت» تا «تصدی‌گری دولت»

اگرچه نمی‌توان نقش سازنده دولت‌ها را در حوزه تقویت امنیت و حفاظت نادیده گرفت، اما پرسش اساسی در خصوص میزان و نحوه ایفای این نقش است. در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان دو نوع نقش‌آفرینی را از یکدیگر تمییز دارد:

### الف) «تصدی‌گری» که مطابق آن دولت با تجميع منابع و به‌تنهایی برای مدیریت ناامنی‌ها

اقدام می‌نماید.

<sup>۱</sup> قال الله تعالى: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (قرآن کریم، سوره مبارکه توبه (۹)، آیه شریفه (۷۱).

<sup>۲</sup> قال الله تعالى: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات (۴۹)، آیه شریفه (۱۰).



ب) «مسئولیت پذیری» که مطابق آن دولت از رهگذر مدیریت کلان فرآیندها و ضوابط، به‌گونه‌ای شرایط را درون جامعه مدیریت می‌نماید که تمامی عناصر فعال فردی و اجتماعی قادر به ایفای نقش‌شان در مدیریت ناامنی‌ها باشند.

درحالی‌که الگوی اول «دولت‌محور» بوده و قدرت اجتماعی را به مثابه یک ابزار مد نظر دارد؛ در الگوی دوم شاهد «جامعه‌محوری» هستیم که در آن نقش اصلی را قدرت اجتماعی ایفا می‌نماید و دولت در سیاستگذاری و یا موارد خاص (که موضوع صبغه امنیتی پیدا نموده)، ورود مستقیم دارد. ماهیت اجتماعی امنیت و حفاظت چنان است که نسبت به مداخلات مستقیم و صریح قدرت سیاسی واکنش منفی از خود نشان داده و مسئله اجتماعی را به مسئله‌ای سیاسی تبدیل می‌سازد که موضوع رقابت بر سر کسب، صیانت و یا توسعه قدرت است. به همین خاطر است که تصدی‌گری دولت، ضمن پیچیده‌تر نمودن موضوع، امکان مدیریت ریشه‌ای امنیت و حفاظت در جامعه را کاهش داده و راه را برای اعمال سیاست‌های مبتنی بر زور و اجبار هموار می‌سازد. بنابراین در مقام مدیریت ناامنی‌ها، ما بیشتر نیازمند به حضور «دولت‌های اجتماعی» تا «قدرت‌های سیاسی» هستیم. «دولت‌های اجتماعی» به دلیل پشتیبان اجتماعی‌ای که درون جامعه دارند، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند که امکان آن را به ایشان می‌دهد تا اهداف حفاظتی و امنیتی نظام را از طریق مداخله نیروهای فعال اجتماعی حل و فصل نمایند و لذا کمترین نیاز به مداخله قدرت سیاسی و اعمال زور باشد.

این معنا در گفتمان اسلامی دارای مؤیدات درخور توجهی است. برای مثال امام خمینی (ره) بر نقش محوری و بی‌بدیل کانون‌های اجتماعی مرجع همچون خانواده، دانشگاه و حوزه‌های علمیه تأکید دارند و معتقدند که بدون حضور فعال این نهادهای اجتماعی، حکومت نمی‌تواند در تأمین اهداف راهبردی‌اش توفیق چندانی به دست آورد. ایشان مصالح عالی کشور را به نقش تربیتی خانواده پیوند زده و معتقدند:

«نقش خانواده و بخصوص مادر [تربیت] در نونهالان و پدر در [تربیت] نوجوانان بسیار حساس است. اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش

صحیح تربیت [شوند]... استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور [به درستی] پایه‌ریزی می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۲۴۵).

چنان‌که از دانشگاه با عنوان نهاد «انسان‌ساز» یاد نموده که سلامت و عزت جامعه در گرو آن است:

«دانشگاه باید انسان ایجاد کند... انسان حاضر نمی‌شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر. انسان حاضر نمی‌شود که تحت ذلت برود و اسارت» (همان: ۴۱۷).

از این منظر بدنه اجتماعی که متشکل از جوانان، اساتید، فرهیختگان، نهادهای مدنی دلسوز و متعهد هستند باید وارد این حوزه عملیاتی شده و با جلب همراهی و همکاری مردم، نسبت به اصلاح فرهنگ و هویت اجتماعی اقدام نمایند و سلامت اجتماعی را هدف‌گذاری و تأمین نمایند تا بدین وسیله پدیده‌های ناامنی‌ساز درون ساخت اجتماعی اصولاً شکل نگرفته و بروز پیدا نکنند.

### اصل (۴). «غیرامنیتی کردن» پدیده‌های اجتماعی

با توجه به تعارض هنجاری و ارزشی که برخی از پدیده‌ها با اصول و مبانی نظام‌های سیاسی حاکم دارند و همچنین گرایش شدید آنها برای خروج از ذیل اراده مدیریتی دولت‌ها؛ برخی از کارشناسان و تحلیلگران رسمی، سعی می‌نمایند از منظری امنیتی به این پدیده‌ها نگرسته و با استفاده از ظرفیت‌های حوزه امنیت و حفاظت به مدیریت آنها همت گمارند. اگرچه ویژگی‌های رفتاری این پدیده‌ها راه را برای طرح و حاکمیت چنین رویکردی همواره و مساعد می‌سازد؛ اما استفاده از برچسب «امنیتی» در مواجهه و مدیریت آنها توجیه و توصیه نمی‌شود. دلیل این امر آن است که «امنیتی کردن» پدیده‌ها- حتی اگر از جنس اختلاف و یا مخالفت باشند- زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر نابهنجاری در بدنه جامعه، سوءاستفاده مخالفان و معارضان خارجی، و حتی کاهش توان اجتماعی جامعه برای تأمین امنیت جامعه مساعد می‌سازد. بر این اساس گزینه اول نظام‌های سیاسی کارآمد در مقام مواجهه با این پدیده‌ها آن است که آنها را در چارچوب مؤلفه‌های راهبردی زیر دریافت، معنا و مدیریت کند:



در اصلاح شبکه روابط اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی نقش برجسته‌ای دارند. از این منظر ارزش‌های متعالی همچنان برای انسان جالب توجه و ارزشمند هستند و تضعیف آنها و یا حذف این ارزش‌ها، نتیجه‌ای جز پریشانی، از خودباختگی و کز رفتاری اجتماعی در پی نداشته است. بر این اساس، دینداری از ظرفیت و ارزش راهبردی بالایی در حوزه مدیریت حفاظت و امنیت برخوردار است. بدین صورت که هم نقش مثبت و مؤثری در پیشگیری از وقوع ناامنی دارد و هم این‌که در صورت بروز ناامنی، می‌تواند در مهار، کنترل و رفع آن با کمترین هزینه و با تأثیرگذاری بالا وارد عمل شود. بواسطه همین ملاحظه است که گسترش حضور دین در مناسبات اجتماعی و تقویت ماهیت هنجاری هویت اجتماعی، می‌تواند به مثابه سیاستی مبنایی در پیشگیری از تکوین و یا ظهور ناامنی‌های اجتماعی مطرح باشد.

مؤیدات و مستندات این اصل راهبردی در گفتمان اسلامی بسیاری است. بدین معنا که خداوند متعال راهکار اصلی برای پیشگیری از عمده ناامنی‌های اجتماعی را در التزام به اصول و ارزش‌های اسلامی در نظر و عمل معرفی نموده است. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- اقامه نماز، مانع از ظهور مفسد اجتماعی همچون فحشا و منکر در جامعه می‌شود.  
«آنچه از این کتب را بر تو وحی نموده‌ایم، بخوان و اقامه نماز کن که همانا نماز از فحشا و منکر بازمی‌دارد...»<sup>۱</sup>

- اقامه نماز، به همراه دادن زکات، موجب افزایش همبستگی و وحدت اجتماعی و دینی در قالب اصل «اخوت» می‌شود:

«پس اگر توبه کردند و اقامه نماز نمودند و زکات دادند، پس برادران شما در دین خواهند بود»<sup>۲</sup>  
- اقامه نماز به تقویت هویت اجتماعی از رهگذر التزام به تعهدات و پیمان‌ها کمک می‌کند:

«ایشان [نمازگزاران] همان کسانی هستند که جانب امانت‌ها و پیمان‌هایشان را نگاه داشته و نقض نمی‌کنند»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> قال الله تعالى: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه عنکبوت (۲۹)، آیه شریفه (۴۵).

<sup>۲</sup> قال الله تعالى: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه توبه (۹)، آیه شریفه (۱۱)).

- روزه داری موجب افزایش آگاهی و همدلی اجتماعی می‌شود. چنان‌که امام رضا(ع) فرموده‌اند: «از علل روزه آن است که [درد گرسنگی و تشنگی را [روزه‌داران] بدانند... تا فشار آن بر فقرا و مستمندان را درک کنند و حقوقی را که خداوند نسبت به فقرا برایشان واجب گردانیده، به آنها ادا نمایند»<sup>۲</sup>.

- برگزاری مراسم حج، موجب ایجاد و تقویت یکپارچگی و همبستگی اسلامی شده و همزمان به کاهش دردهای گروه‌های فقیر جامعه کمک می‌کند. چنان‌که خداوند برای حج منافع زیادی برشمرده و تصریح دارد که:

«مردم به حج آیند] تا ببینند سودهایی را که برای آنهاست... پس از قربانی‌ها بخورید و بینوایان فقیر را اطعام کنید»<sup>۳</sup>

از این شواهد بسیار است که نشان می‌دهد تقویت ارزش‌های دینی و التزام حداکثری به آنها، می‌تواند در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و ایمن نقش بالایی داشته و از این طریق راه را به ظهور بسیاری از تهدیدات امنیتی و حفاظتی سد نماید.

## نتیجه‌گیری

بررسی نظریه‌ها و سیاست‌های امنیتی - حفاظتی بیانگر آن است که تنوع و تعدد دیدگاهها بسیار زیاد است. در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان آنها را در دو دسته اصلی الگوهای اجتماعی و غیر اجتماعی جای داد. درحالی‌که الگوهای غیر اجتماعی با استفاده از قدرت و اعمال سلطه در تلاش هستند تا ضریب امنیتی و حفاظتی جامعه را افزایش دهند؛ در الگوی اجتماعی عمده نقش بر عهده قدرت اجتماعی است. در همین ارتباط مکتب اسلام به دلیل ماهیت فرهنگی که دارد و توجه ویژه آن به ابعاد و زوایای نرم‌افزارانه مدیریت مسائل امنیتی، از ظرفیت و توان بالایی برای ارائه

<sup>۱</sup> قال الله تعالى: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه معارج (۷۰)، آیه شریفه ۳۲).

<sup>۲</sup> قال الرضا(ع): «لكي يعرفوا ألم الجوع و العطش ... وليعرفوا شده مبلغ ذلك علي اهل الفقر و المسكنه في الدنيا فيوء دوا اليهم ما فرض الله تعالي لهم في اموالهم...» (به نقل از: محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۱: حدیث ۱۰۶۱۳).

<sup>۳</sup> قال الله تعالى: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَآئِسَ الْفَقِيرَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه حج (۲۲)، آیه شریفه ۲۸).

سیاست‌ها و راهکارهایی برخوردار است که التزام به آنها می‌تواند به تقویت و بهبود الگوی مدیریت اجتماعی حفاظت و امنیت در جوامع اسلامی کمک نماید. مطابق تحلیل ارائه شده در این نوشتار، الگوی مدیریت حفاظت و امنیت از منظر اسلام، با هدف پیشگیری از بروز ناامنی‌ها، بر پنج اصل استوار است که عبارت‌اند از:

**اول)** برخورد فعال و ریشه‌ای با آسیب‌های امنیتی و حفاظتی، نیازمند سرمایه‌گذاری در حوزه پرورش فردی و تکوین «شخصیت» است تا از این طریق افراد نسبت به صیانت از امنیت و ایفای نقش مثبت در حوزه حفاظت ترغیب گردند.

**دوم)** مدیریت پدیده‌های امنیتی و حفاظتی لازم است در فضای اجتماعی و با اولویت قدرت اجتماعی - و نه با محوریت قدرت سیاسی - صورت گیرد. بر این اساس لازم است ایده مسئولیت‌پذیری جمعی در قبال مسائل امنیتی و حفاظتی در جامعه تعریف و نهادینه گردد.

**سوم)** اقتضای مدیریت مستمر و پایدار حفاظت و امنیت، مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در خصوص فراهم آوردن شرایط و زمینه مناسب برای نقش‌آفرینی قدرت اجتماعی در مواجهه با ناامنی‌های احتمالی است. بر این اساس دولت صرفاً دارای مسئولیت اجتماعی - و نه متصدی سیاست‌های اجتماعی - در حوزه حفاظت و امنیت خواهد بود.

**چهارم)** امنیتی کردن پدیده‌های اجتماعی، امکان مدیریت اجتماعی مسائل حفاظتی و امنیتی را به شدت کاهش داده و نتایج منفی آن را گسترش می‌دهد.

**پنجم)** الگوی مدیریت اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه متضمن تقویت شبکه روابط ارزشی و هنجاری در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و سازمانی است.

چنانکه ملاحظه می‌شود این الگو نسبت به سایر الگوها، از دو حیث متمایز است؛ نخست آن که جامع بوده و ابعاد ماهیتی و کارکردی جامعه را در خروجی نهایی لحاظ نموده است. دوم آن که دارای رویکرد اسلامی بوده و از مزیت بومی بودن برخوردار است که می‌تواند آن را برای جوامع اسلامی قابل تأمل و استفاده سازد.

یافته‌های تحقیق حاضر از آن حیث که مستند و مبتنی بر آموزه‌ها و نصوص اسلامی هستند، از همگرایی درونی بالایی برخوردار بوده و متأثر از منطق توحیدی اسلام، می‌توان آنها را یکپارچه

ارزیابی نمود. همین موضوع می‌تواند به مثابه شاخصی جهت شناسایی انحرافات احتمالی در عمل نیز مطرح باشد. بدین معنا که در صورت ارایه هر تحلیل و یا تجویزی از سوی این الگو که به تعارض با اصول جهان بینی اسلامی منتهی گردد، باید نسبت به نقد و اصلاح الگو اقدام نمود. پژوهش حاضر بدلیل ماهیت آن و هدف انتخاب شده- که شناسایی اصول نظری الگوی اجتماعی امنیت و حفاظت باشد- دارای محدودیت خاصی نبوده است. با عنایت به توضیحات ارایه شده می‌توان چنین اظهار داشت که در تکمیل و ارتقای الگوی مطرح شده در این تحقیق، پیشنهاد می‌شود تا دو دسته از پژوهش‌ها در آینده، سازماندهی و اجرایی شوند؛ نخست مطالعات موردی که بتواند تجارب ایران و سایر کشورها را در موضوع تبیین نماید و بدین وسیله فرصت اصلاح و ارتقای اصول پیشنهادی فراهم گردد. دوم، پژوهش‌های کاربردی که به بررسی عینی نتایج حاصل آمده از کاربرست الگوی پیشنهادی در جوامع اسلامی بپردازد.

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

#### - قرآن کریم

۱. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۲)، *امنیت اجتماعی شده: رویکردی اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، *امنیت*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۳۶۱)، *خدا و انسان در قرآن*، احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بیات، بهرام، (۱۳۸۷)، *فرا تحلیل آسیب‌های اجتماعی و جرایم*، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - معاونت اجتماعی.
۶. بیانات مقام معظم رهبری به تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ (سایت Khamenei. ir).
۷. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۱)، *فضای مجازی و آسیب‌های فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید (مجموعه مقالات همایش)*، تهران: روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۸. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۱)، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران*. تهران: آگاه.
۹. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳)، *آسیب‌های اجتماعی - اقتصادی (مجموعه مقالات همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران)*، تهران: آگاه.
۱۰. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳)، *بحران هویت و انومی (مجموعه مقالات همایش)*، تهران: آگاه.
۱۱. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳)، *پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی و فرهامه.
۱۲. حسینی، امین و دیگران، (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی آسیب‌پذیری در برابر استرس بر اساس حمایت اجتماعی، تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان»، پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. دوره ۶ شماره ۲، پیاپی ۱۱ (پاییز و زمستان)، صص ۴۲-۲۷.



۱۳. حلیمی جلودار، حبیب‌اله، (۱۳۹۲)، «آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، دوره ۱، شماره ۱ (بهار)، صص ۹-۱.
۱۴. خسروشاهی، قدرت‌الله، (۱۳۸۰)، *فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام*، قم: بوستان کتاب.
۱۵. داوری، محمد و علی سلیمی، (۱۳۹۵)، *نماز و سازوکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی*، تهران: ستاد اقامه نماز.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۰)، *فرهنگ دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳.
۱۷. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۸)، *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۹۲)، *آنوتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. روحانی قوچانی، عزت، (۱۳۹۲)، *بررسی تأثیر فردگرایی بر روی آسیب‌های اجتماعی در دختران دبیرستانی شهر تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه الزهراء.
۲۰. سراج زاده، سید حسین، (۱۳۹۷)، «آسیب چیست و منظور از آسیب‌های اجتماعی کدام است؟». در: [Seetasnimnews.com/fa/news1392](http://Seetasnimnews.com/fa/news1392) تاریخ بازدید ۱۳۹۷/۴/۱
۲۱. ستوده، هدایت‌اله، (۱۳۷۹)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: نشر آوای نور.
۲۲. سخاوت، جعفر، (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: دانشگاه پیام نور، ج ۴.
۲۳. شایان‌مهر، علیرضا، (۱۳۷۷)، *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
۲۴. شمس ناتری، علی و مریم بخشنده، (۱۳۹۳)، *عقل و عقل‌گرایی در اسلام*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۵. عبداللهی، محمد، (۱۳۸۱)، *آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران*، تهران: آگه، ج ۱.
۲۶. علیئی، محمدرولی و دیگران، (۱۳۹۵)، *واکاوی کاربری رسانه ملی در ارتقای سرمایه اجتماعی (با تأکید بر آسیب‌شناسی امنیت فرهنگی، راهبرد دفاعی)*، دوره ۱۴، شماره ۵۴ (تابستان)، صص ۱۵۴-۱۲۵.
۲۷. عیسائی، مریم، (۱۳۹۶)، *نقش بحران هویت، ادراک خودکارآمدی و خودنظارتی در پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.

۲۸. فرهمند، مهناز و دیگران، (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی و آسیب‌پذیری اخلاقی»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۶ شماره ۱۸ (تابستان)، صص ۱۲۶-۹۹.
۲۹. فقیه آرام، بتول و دیگران، (۱۳۹۵)، «آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از به‌کارگیری تلفن همراه و اینترنت در میان دانشجویان»، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی. دوره ۶ شماره ۳، پیاپی ۲۳ (بهار)، صص ۱۳۰-۱۱۱.
۳۰. کراوس، میکی و تپتن هرولد-ویراستار- (۱۳۸۸)، مدیریت حفاظت و امنیت اطلاعات، تهران: شرکت انسیتو ایز ایران.
۳۱. گولد، جولبوس و همکاران، (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، تهران: مازیار.
۳۲. محسنی، رضاعلی و عزت‌الله نصرتی، (۱۳۹۳)، «نسبت شهر با جرم و آسیب‌های اجتماعی»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. دوره ۲، شماره ۷ (پاییز)، صص ۱۳۸-۱۱۳.
۳۳. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۱)، میزان الحکمه، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی. ج ۴.
۳۴. معاونت پژوهش و تولید علم دانشکده اطلاعات، (۱۳۹۳)، مبانی حفاظت در سازمان، تهران: دانشکده اطلاعات.
۳۵. مکیونیس، جان، (۱۳۹۵)، مسائل اجتماعی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ج ۲.
۳۶. موسوی خمینی، روح‌اله، (۱۳۶۷)، صحیفه امام (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مجلدات ۱۳ و ۱۵.
۳۷. نایی، هوشنگ و بهنام لطفی، (۱۳۹۰)، «تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱ (تابستان)، صص ۲۶-۱.
۳۸. نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۹. هاشم‌زهی، نوروز، (۱۳۹۰)، مسائل اجتماعی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴۰. یاسی، رحمان، (۱۳۹۵)، الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی قرآن کریم با تأکید بر موضوع انسجام اجتماعی (رساله دکتری)، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

ب) منابع انگلیسی

1. Balzacg, Thierry & et.al (2011) Securitization. New York: Routlodge.
2. Cockerham, William (2013) Social Causes of Health and Disease. Cambridge: Polity Press.
3. Crossley, J.N & et.al (1972) What is Mathematical hogie?.Oxford: Oxford University Press.
4. Keohane, Kieran and Petersen, Anders-Edis (2013) The Social Pathologies of Contemporary Civilization. London & New York: Routlodge.
5. Lemert, Edwin McCarthy (2012) Social Pathology. Whitefish: Literary Licensing.
6. Rubington, Earl and Weinberg, Martin- Edis- (2010) The Study of Socail Problems. Oxford: Oxford University Press.
7. Stivers, Richard (2004) Shades of Loneliness: Pathologies of a Technological Society. Oxford: Rowman& Littlefield Publishers.

